اهمّیَّت برکت در زندگی انسان

برگرفته از سخنان دانشمند بزرگ أهل‌سنّت
شیخ محمَّد بن صالح عثیمین -رحمَهُ الله-

بسیارند مردمانی که اموال و دارائی‌های هنگفتی در اختیار دارند، به ظاهر ثروتمند و مُرفّه می‌نمایند امّا در حقیقت در شُمار فقراء قرار می‌گیرند. زیرا از اموالشان ثمرۀ مفید و خوشایند نمی‌بینند، ثروتشان سود راستین و حقیقی نمی‌رساند، آنها را می‌بینی که ثروتِ بی‌شماری در اختیار دارند، امّا در پرداخت نفقۀ خانواده خود و رفع حوائج و نیازمندی‌هایشان کوتاهی می‌کنند، برای مصارف شخصی خودشان نیز بر همین رویه اصرار دارند. سُلوك بُخل‌وَرزی! این نوع از مردم از اندوخته‌های مادی خود هیچ نفعی نمی‌برند. بیشتر کسانی که به این وضعیتِ ناخوشایند دُچارند، ثروت و داشته‌هایشان به سبب آفاتِ طبیعی و بلایا از بین می‌رود.

مردم بی‌شمار دیگری نسل و ذُرِّیّه دارند، امّا این دودمان به صاحبش نفع نمی‌رساند، فرزندش نافرمان است و با استکبار و غرور با والدین -به‌ویژه پدر- برخورد می‌کند. از طرف دیگر، همین فرزند با دوستان خود ساعاتِ طولانی می‌نشیند، خلوت نموده و با یکدیگر گفتگوها رد و بدل می‌کنند، بین‌شان انس و محبّت زیادی حاکم است که مُنجر می‌شود تا آنها أسرار خود را بر یکدیگر آشکار کنند. ولی همین فرزند اگر نزد پدر خود بنشیند، مانند پرنده‌ای زندانی در قفس می‌مانند. با پدرش انس نمی‌گیرد، با او سَر سُخن را باز نمی‌کند، هیچ یک از أسرارش را با او شریك نمی‌شود، حتی روبه‌رو شدن با پدر، برای چنین فرزندی دشوار است. الله مُتعال برای این پدران در فرزندانشان برکت عطا ننموده.

بعضی از آدم‌ها هستند که الله مُتعال به آنها علم فراوان عطا نموده، آنان معلوماتِ فراوانی در ذهن دارند، لیکن چون بی‌سَوادها می‌مانند، آثار علم و نشانه‌های حکمت در عبادت، أخلاق، سلوك، و تعامل چنین فردی با مردم به چشم نمی‌آید که هیچ، دانشِ او نیز به أبزاری برای إبراز خود بَرتری، غرور و تکبرش بر ضعیفان در علم و دانش بَدل شده است. جای بسی حیرت‌ست که این مسکینِ حواس‌پرت آن مطلبِ مُهمّ و أصل‌توحیدی را از یاد برده است! این مهمّ که نعمتِ دانش را الله مهربان به لطف و إحسان خویش بر بنده خود ارزانی داشته است، و اگر اراده می‌نمود او را نیز در شمارِ جاهلان قرار می‌داد.

انسان دیگری را می‌بینید که الله مُتعال به او علم ارزانی داشته، ولی هم‌نوعانش از این دانش بی‌بهره اند، ذرّه‌ای از آن نفع نمی‌برند، عالم در خلوتِ خود و بی‌توجّه به اطرافیانش به سر می‌برد، مردمانش از تدریس و جلساتِ درس وی، از توجیحاتش، از آثار و تألیفاتش محروم‌اند، جامعه از هیچ یک از توانایی‌های این به اصطلاح دانشمند، روحاني زاهد، پیر دانا بهره‌مند

نمی‌شوند. علم چنین آدمی در زندان وجودش حبس شده، الله مُتعال در علمش به او برکت عطا ننموده، و این مصیبت بدون شک حرمان و خسران حقیقی و بزرگی‌ست.

نفسِ علم نافع از بابرکت‌ترین نعمت‌های إلهی‌ست که به بندگان عطا می‌شود، زیرا اگر شما کسی دیگر را به این علم آگاه کنید، و اگر این علم را در میان ساحاتِ مختلف حیات نشر دهید، از چندین وجه مأجور خواهید بود، واثر مُهمّي در پیشرفت خوبی‌ها خواهید داشت:

نخست: به سبب جهود شما در نشر علم، انتشار دین الله عزوجل تحقق می‌یابد، پس با این کار از مُجاهدینِ در راه الله خواهید بود، وظیفهٔ مُجاهدِ در راه الله این‌ست که سرزمین‌ها را یکی پس از دیگری فتح کند تا مقدمهٔ انتشار دین الله فراهم شود. مثال شما ای طالبِ علم آن مجاهدی است که قلب‌ها را فتح و به تسخیر خود در می‌آورد تا اسلام در آن حاکم شود.

دوّم: از برکت نشر علم و تعلیم آن به دیگران این‌ست که در این کار حفظ شریعتِ الله و حمایت از آن در برابر بدی‌ها وجود دارد، زیرا تا علم و دانش نباشد دینِ الله -از فسادِ جُهال و تخریبِ مُعاندین- محفوظ نمی‌ماند. شریعتِ حفظ نمی‌شود مگر به‌وسیلهٔ مَردان آن، مردان علم و دانش. بدانید حمایت از شریعت ممکن نیست مگر به‌وسیلهٔ وجودِ علماء و دانشمندانِ ربانی، پس اگر علم دین را منتشر نمودید، و جامعه از علم‌تان نفع بُرد، در نتیجه به سبب این خدمتِ شما، حمایت از شریعت و نگاه‌داری از آن شکل می گیرد. از این مُهمّ غافل نباشید!

سوّم: شما با تعلیم دانش آموز خود و نشر علم در میان آنان، یک کار نیک بزرگ انجام داده‌اید، زیرا شاگردتان را به اسلام و أحکام آن آگاه نمودید، پس اگر او الله مُتعال را با علم و بصیرت عبادت کند، شما نیز مانند او اجر و ثواب می‌بَرید، چون شما بُودید که او را به این خیر فراوان راهنمایی نمودید، و (قاعده این‌ست که) راهنما به کار خیر مانند انجام دهندهٔ آن است. پس در نشر علم، خیر و برکت نهفته است، هم برای ناشر آن و هم برای آموزگار، کسی که ناشر را به آن علم سودمند آگاه نموده است.

چهارم: در تعلیم و نشر علم، ارتقاء دانش خود آموزگار نهفته است، میزان دانش معلم و مقدار تجربیاتِ او هنگامی که به دیگران آموزش می‌دهد، افزایش می‌یابد. زیرا این عمل یادآوری محفوظات، و روشنگر مسائلی‌ست که معلم آنها را از حفظ نبوده، یا از خاطر بُرده است.

مترجم: محمَّد ستوده
منبع: مجموع الفتاوی: ج۱۴ - ۱۵۱
چاپِ دارالثریا (ط: ۱۴۱۳هجری)